

## زبان فارسی در تاجیکستان

چون بحث این مقاله بزبان فارسی کنونی تاجیکستان اختصاص دارد بجاست که در ابتدا اشاره‌ی ویژه بمفهوم تاجیک وتاجیکستان بعمل آید، چه بدون توجه باین دونکته درك صحیح مطلب ممکن نمی نماید. نخستین ومهمترین مطلبی که باید از ابتداری آن تاکید گردد موضوع جدایی تاجیکستان فرهنگی از تاجیکستان کنونی است؛ چه تاجیکستان کنونی مساحتی در حدود ۱۴۳ هزار کیلومتر مربع دارد؛ در حالیکه پیش از اکتبر ۱۹۲۴ این مساحت به ۴۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع بالغ می گردیده است. نگارنده از ملاحظات سیاسی می گذرد و فقط تذکر می دهد که بدین ترتیب فضای حقیقی فرهنگی تاجیکستان بمساحتی حداقل سه برابر مرزهای کنونی بالغ می گردد. بویژه آنکه خود نویسندگان تاجیک همانند «دهاتی» باین نکته توجه کرده وهیچگاه در ذکر قلمرو فرهنگی تاجیکستان شهرهایی چون مرو و بخارا و سمرقند را فراموش ننموده اند. نکته دوم اشاره به واژه های تاجیک ومفهوم آن وبالآخره پراکنندگی تاجیکهای اخص است که مسلماً پیوند آنان با سرزمین تاجیکستان ناگسستنی بوده و هر گونه بررسی علمی بی ارتباط بدانان نمی باشد. بدانسانکه در ص ۷۰ مردم شناسی ایران «هنری فیلده» از قول «بلیو» آورده شده: نظر محققان پیرامون واژه ی تاجیک متفاوت است. برخی معتقدند که «ا. ا. ا. ب. شومو، افغانا را در

نهادن نام خود باولاد نیمه افغانی خویش (از نژاد مخلوط بافغانی و هندی) اخذ کرده، فرزندان را که ازدواج آنها با ایرانیان پدید آمده بودند؛ تازیك و سپس تاجیک خواندند.

در حالیکه گروهی تاز و تازیك را ویژه‌ی اعراب و تاجیک را ویژه‌ی ایرانیان میدانند. گویند با توجه به واژه‌شناسی علمی و مقایسه‌ی لغت **taochi** چینی و تاجیک دریافته میشود که نظریات مزبور از نظر احتمالات علمی مردود و واژه‌ی تاجیک نام قدیمی و باستانی زارع ایرانی بوده است. «وود» نیز با توجه باز دیاد تاجیکها این نظر را که آنان از نسل مهاجران عرب باشند مردود میدارد و «پریچارد» آنرا ایرانیان حقیقی و خوش‌سینا می‌شمرد. در حالیکه «مونت استوارت» آنها را ملت غیر واحدی که در نقاط مختلف آسیا پراکنده شده حتی در ترکستان چین وجود دارند می‌داند. بنظر وی مردمان ده- نشین قدیم ایران نیز تاجیک نامیده میشده‌اند. در حال مردمی که امروز اختصاصاً بنام تاجیک نامیده می‌شوند، مردمی هستند که در سرزمین تاجیکستان دنیا آمده و یا از اعقاب آن تاجیکها هستند که هنوز خصوصیات بومی را کم و بیش حفظ کرده‌اند. با اینکه منشاء این مردم، تاجیکستان است، اما از سال ۱۹۲۴ - که ۶۰۰۰۰۰ نفر تاجیک موجود بوده‌اند - پراکنده شد و امروز بیش از ۱/۵ میلیون تاجیک که نیمی از آنان اطفالی باشند در تاجیکستان وجود ندارند. در حالیکه متجاوز از ۴ میلیون تاجیک در افغانستان زیست میکنند و عده‌ی زیادی احتمالاً بالغ بر میلیونها تاجیک در نقاط دیگر شوروی بویژه ازبکستان کنونی که در بردارنده‌ی قسمت اعظم تاجیکستان سابق است زندگی مینمایند. در حال این مردم طبق تحقیقات آنتروپولوژی - زبان شناسی و ... جزو خانواده‌ی ایرانی محسوب می‌شوند و نویسندگان تاجیک و نیز دیگر نویسندگان روس بدین امر اذعان کرده، هم در کتاب اطلس ملت‌های جهان - چاپ شوروی - تاجیکها را از خاندان ایرانی شمرده‌اند و نیز در مقدمه‌ی کتابی که در مورد ابو عبدالله رودکی گوینده‌ی بزرگ تاجیک منتشر شده بود، بدین مفهوم اذعان گردیده بود. سشتاکوف نیز اینان را از خاندان و ازبک‌ها و ازبک‌ها را از تاجیکها می‌داند. در کتاب «تاریخ و جغرافیا» نوشته‌ی

داشتند و مسلماً از (شاخه‌های کهن ایرانی و آریایی بوده‌اند) .

اینک به بحث زبان فارسی در تاجیکستان می‌پردازیم ؛ در حالیکه اذعان داریم که بحث حقیقی و علمی باید تمام تاجیکها را دربرگیرد ، اما بعلمت فقد منابع صرفاً پارسی تاجیکستان کنونی را بررسی میکنیم . لازم به اشاره است که مسلماً پارسی تاجیکهای ازبکستان تحت تأثیر زبانهای ترکی مثل ازبکی و پارسی تاجیکهای افغان تحت تأثیر لغات محلی قرار گرفته است .

زبان پارسی تاجیکی تاجیکستان مناسفانه امروز دیگر پارسی خوانده نمیشود و بدان زبان ، تاجیکی می‌گویند . بویژه در کتابهای جدید تاجیک که این نام مکرراً آمده است ( از جمله کتاب کلیات دهاتی) با اینحال همگان آنرا جزو زبانهای ایرانی (مثل کردی - بلوچی...) دانسته‌اند. این زبان امروز بخط مخصوصی مشابه روسی نگاشته می‌شود ، با این تفاوت که تغییرات مخصوصی در حروف الفبا دیده می‌شود . مثلاً X بجای ه بکار میرود و X مثل خ روسی جای خ . تقریباً تمام حروف روسی است بجز حرفی که در روسی وجود ندارد ، مثل ق - خ که با مختصر تغییری در حروف روسی برای آنها ساخته شده‌اند. این خط تاجیکیکه نگارنده اطلاع دارد تا سال ۱۹۵۷ رایج و یاچندان رایج نبوده و از آنسال تقریباً تمام کتب تاجیک به این خط نگاشته شدند . اگرچه خواندن این خط برای تاجیکهایی که خط روسی را میدانند ساده‌تر شده ، لکن يك عیب بزرگ دربر دارد و آن اینکه عملاً بین زبان پارسی کنونی و میراثهای باستانی تاجیکی و کتبی که امروز در تاجیکستان نگاشته میشود پرده بزرگی کشیده، که مضارش در آتیه مشهود خواهد افتاد .

نکته‌ی دیگر نفوذ تدریجی لغات روسی است که از سالها پیش آغاز شده اینک نسبت بزرگی را در واژه‌های متداول تشکیل میدهند. برای مثال چند جمله از يك کتاب تاجیکی نقل میشود تا خوانندگان گرامی اثر واضح نفوذ روسی را در تاجیکستان بعینه ببینند :

د اثرهای پوشکین بزبان تاجیکی . معلوم است که تا رولویسیای کبیر ساسیالیستی اکتیایر در خاگ تاجیکستان هیچ گونه واسطه کتاب چاپ کنی نبود کتابهای چاپی که تا این وقت در تاجیکستان چاپ میشدند در حد کتابهای بخاری (مدرسه) و کتاب

ایران (غیره) بودند ..

ویا در مجموعه‌ی شعر میرسید میرشکر ( بهار تاجیکستان ) که جنبه‌ی نوپردازی دارد:

» تمام خلق	» آبرلنیانت
ساویقی ما	از سومکه خود
میگوید با فخر	قلم و کاغذ
فیودارازما ،	بر آورده زود ، و ...

که لغاتی مانند آبرلنیانت - ساویقی - اکتیابر - ساسیالیستی - رولویسیا - فوتو اپرت - کاملاً منشاء غیر پارسی داشته، از روسی متداول گرفته شده‌اند. خود این يك واقعیت تأسف بار برای ماست که امروز زبان پارسی در تاجیکستان کم‌کم با زبان پارسی اصلی فاصله مییابد. نخست از نظر خط که حتی امروز، مردم ایران و تاجیکستان قادر بخواندن خط یکدیگر نیستند. دیگر از نظر لغات، چه برخی لغات همانند طب - دانشکده - دانشگاه انقلاب - در زبان پارسی تاجیکی بگونه‌های دیگری که غالباً از زبان روسی اتخاذ شده درآمده و متأسفانه این نکته در مورد پارسی افغانی و ... بگونه‌ی دیگر بچشم میخورد ( و هم اینجاست که ضرورت ایجاد فرهنگستان مشترک مناطق پارسی زبان و ازدیاد تماسهای فرهنگی احساس می‌گردد). مطلب سوم تغییراتی است که در جمله‌بندی و ادای مطالب احساس میشود. اولاً گویا حکومت تاجیکستان بر این هدف است که لهجه‌ی تاجیکی را بگونه‌ی زبان مستطلی معرفی کند و این لهجه که جزو لهجه‌های شمال شرقی ایران و در ردیف لهجه‌های خراسانی آورده می‌شود و هنوز کاملاً برای ایرانیان مفهوم است، از زبان پارسی استقلال بیابد. شاید واژه‌ی (ادبیات فارس - تاجیک) که در کتب تاجیک و از آن جمله مقدمه‌ی دیوان مشفق ملاحظه می‌شود مبین این مطلب باشد. به‌علاوه کم‌کم ساختمان جمله‌بندی دیگرگون گردیده است. مثال جمله‌بندی تاجیکی در سال‌های اخیر:

از بی پرودگی ما استفاده برده سیمای بزرگ ادبیاتی ما را تا سال‌های اخیر روحانیون از آن خود کرده ... (ص ۱۱ کلیات دهاتی)

در حالی که در دیوان مشفق که در ۱۹۵۹ بچاپ رسیده، مقدمه‌ی ملحوظ است که از نظر جمله‌بندی هیچگونه تفاوت اساسی با پارسی کنونی ندارد، مگر بسیار اندک. مثلاً در ص ۸ مقدمه‌ی کتاب مزبور آمده:

«مشفق بعد از وفات این دو پرستار و تربیت گز اساسی خود بحالت

در بپردری گرفتار شده در آخر بخدمت دستیاری یکی از هنرمندان شهر بخارا داخل میشود .

هم بدین دلایل ادبیات تاجیکستان با بحران ویژه‌یی روبرو شده و دیگر درخشش زمان کهن را که هنوز از پرتو اشعار ابو عبدالله رودکی بچشم میخورد، ندارد . تاجیکها که رودکی - فردوسی - ناصر خسرو - ابوعلی سینا - سعدی - کمالی خجندی را بنوشته‌ی دهاتی، در صدر ادبیات خود جای میدهند اینک افتخارشان لاهوتی و میرشکر وعینی است که فرد نخستین نیز متولد خارج از تاجیکستان بوده و علیرغم عذوبت کلام در حد گذشتگان جای نمیگیرد و این نکته‌ایست که به بحث دیگری نیازمندست، که در خورد این مختصر نیست. در هر حال و با توجه باین مطالب ضرورت برقراری تماسهای فرهنگی میان ایران و تاجیکستان و افغانستان و دیگر مناطق پارسی زبان آسیا و بویژه استی‌ها (که هنوز دسته‌ای از آنان نامی مشابه ایران دارند ) حس میشود. باید يك فرهنگستان پارسی بوجود آید و در مورد واژه‌های نوین ، نشر آثار بزرگ فرهنگی و امثال آن تصمیم بگیرد والا روزگاری خواهد رسید که دیوارهایی بی‌لندی دیوار چین میانه‌ی ایران و تاجیکستان جدایی فرهنگی را مضاعف سازد ، بویژه از ناحیه‌ی ( خطی که چشم‌رودکی بیگانه است از دیدنش).

من بر نویسندگان مجلات ادبی پارسی بایام مشرم که بنشر آثار گویندگان تاجیک چه در خود تاجیکستان و چه برون از آن مبادرت کنندو زبان ادبیات تاجیک کرسی ویژه‌ای در دانشگاه بیابد و امکان تبادلات فرهنگی مورد بررسی قرار گیرد .  
درینا که امروز کتاب‌های نژاد‌های رنگین آنسوی دریا‌ها پیارسی پراکنده میشود و دروازه‌های ایران شهر بروی کتب پارسی‌زبان ساکن پامیر و نواده‌های رودکی بسته است .

### منابع :

- ۱- کلیات جلد پنجم - دهاتی چاپ تاجیکستان
- ۲- مجله ادبیات شوروی ویژه‌ی تاجیکستان
- ۳- دیوان عبدالرحمن مشفق
- ۴- دیوان میرسید میرشکر (بهار تاجیکستان)
- ۵- کتابچه‌ی مصور دوشنبه
- ۶- مردم شناسی هنری فیلد
- ۷- مقالات پراکنده‌ای از جراید تهران